

ما کارگران کم و بیش کلمه‌ی "تشکل" را شنیده‌ایم، می‌گوییم ما کارگران باید متشکل شویم و یا این که ما کارگران بدون تشکل‌های کارگری نمی‌توانیم از حقوق مان دفاع کنیم.

برای ایجاد تشکل به دست‌ها و نیروی خودمان، ابتدا باید مفهوم تشکل را درک کنیم.

تجربه نشان داده است وقتی در محیط‌های کارگری، برای گرفتن حقوق مان به کارفرما اعتراض می‌کنیم به دنبال کسانی می‌گردیم که که با ما درد مشترک داشته باشند و به همراه ما به کارفرما اعتراض کنند، و می‌دانیم که در صورت اعتراض دسته جمعی میزان موفقیت ما بیشتر می‌شود. اگر اعتراض دسته جمعی ما با برنامه و هدف مشخصی همراه باشد، کارفرماها را به عقب نشینی وادار می‌کند. اگر این اعتراضات گسترده و خارج از محیط‌های کار به همراه کارگران دیگر کارخانجات باشد خواست‌های کارگران را به دولت‌ها تحمیل می‌کند و از تصویب قوانین ضد کارگری جلوگیری می‌کند. البته اعتراضات بی هدف، بدون برنامه و یا سیاه لشکر شدن برای کسانی که با ما درد مشترکی ندارند معمولاً نه تنها ما را به پیروزی نمی‌رساند بلکه باعث شکست، سردرگمی و سرشکستگی کارگران می‌شود.

پس تشکل یعنی:

۱- جمع شدن برای رسیدن به هدف مشخص مانند: افزایش دستمزد، اعتراض به شرایط بد محیط کار، جلوگیری از اخراج و ...

۲- جمع شدن با کسانی که با ما درد مشترک و یا هدفی مشترک دارند، یعنی آن‌ها نیز خواسته‌های ما را دارند و می‌خواهند مثل ما به آن خواسته‌ها برسند.

۳- کارگرانی که برای رسیدن به اهداف مشترک‌شان دور هم جمع می‌شوند، پس از مشورت با هم برنامه‌ی مشترکی را نوشته و یا با توافق شفاهی به اجرای آن برنامه می‌پردازند.

۴- کارگران برای این که اعتراض خود را به گوش کارفرما برسانند با رأی دسته جمعی خود نمایندگان را انتخاب و به آنها مأموریت می‌دهند تا خواسته‌های آنان را پی‌گیری و نتیجه را به آنان گزارش دهند.

۵- کارگران برای پی‌گیری خواسته‌هایشان نیاز به هزینه‌ی مالی دارند، برای این کار مبلغ معینی که به توافق همه رسیده باشد جمع آوری نموده به یک نفر کارگر امین و یا به نمایندگان خود تحویل می‌دهند. این یعنی ایجاد یک صندوق مالی برای پشتیبانی از نمایندگان خود و پیش‌بردن

هر چه بهتر اعتراضات.

موارد گفته شده بالا ابتدایی‌ترین نمونه شکل‌گیری یک تشکل کارگری را نشان می‌دهد.

ما کارگران بدون داشتن تشکلی که به دست خودمان ایجاد شده باشد نمیتوانیم به اهدافمان برسیم. سرمایه‌داران و کارفرماها برای این که هرچه بیشتر از طریق ما به سودهای کلان برسند ابزارهای گوناگونی در اختیار دارند از قبیل: قوانین و بخشنامه‌های ضد کارگری مثل قانون کار، بخشنامه‌ی قراردادهای موقت کار، ادارات کار، پلیس، ارتش، دادگاه، زندان و... ما کارگران در مقابل این همه سلاح سرمایه‌داران چه سلاحی را در دست داریم؟ هیچ سلاحی، به جز اتکا به نیروی جمعی مان. پس برای این که ما نیز بتوانیم از حقوق خود و کارگران دیگر و خانواده‌هایمان دفاع کنیم، باید تشکل‌های کارگری خودمان را ایجاد کنیم.

کارگران ایران با اتکا به نیروی تشکلهای کارگری توانسته اند به پیروزی‌های بزرگی دست یابند. برخی از این دست آوردها عبارتند از: ۸ ساعت کار در روز، قانون بیمه‌ی بیکاری، تعطیلی ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر، تعطیلی روز جمعه و ...

کارگران یک واحد تولیدی با متحد شدن با کارگران دیگر می‌توانند تشکل کارگری در محیط کار خود را ایجاد کنند و در اتحاد با کارگران کشور و همچنین در سطحی جهانی تشکل سراسری خود را ایجاد نمایند و اگر در این کار موفق شوند تبدیل به قدرتی می‌شوند که می‌توانند به هر گونه تبعیض و بی‌عدالتی علیه کارگران خاتمه دهند.

از نمونه‌های تشکل‌های کارگری که کارگران ایران و جهان تاکنون ایجاد نموده‌اند میتوان به: شوراهای اتحادیه‌ها، کمیته‌های کارگری، سندیکاها و... اشاره کرد.

تشکل کارگری یعنی متحد شدن کارگران حول خواست‌های طبقاتی برای به دست آوردن یک زندگی انسانی.

کارگران بیاید برای رسیدن به این هدف متشکل شویم.

این نشریه متعلق به ما کارگران است. در محیط کار و زندگی، در دانشگاه، بیمارستان، کارگاه و کارخانه، در هر جا که هستیم آن را تکثیر و منتشر کنیم.

تماس با ما: bidar.nashriyeh@gmail.com

تا کی باید بیکار بمانیم؟

هر روز که به محل کارمان می‌رویم تا پایان ساعت کاری با این زمزمه‌ها روبرو می‌شویم: تا پایان این ماه همه را اخراج می‌کنند، کار جدید نگرفتند، قراردادهای را تمدید نمی‌کنند، کار را به پیمانکار واگذار می‌کنند، به بخش خصوصی واگذار می‌کنند و....

بیکاری عذاب همیشگی کارگران است، چقدر این کلمه برای کارگران رنج آور، دردناک و ویران‌گر است. بیکاری همچون چماقی بالای سر کارگران می‌چرخد و فرود می‌آید و این چماق بیرحم هیچ زمان و مکانی نمی‌شناسد و هم‌چنان زندگی کارگران را ویران می‌کند.

یکی از عوامل اصلی ویرانی زندگی کارگران بیکاری است؛ کارفرمایان با توجه به سیل عظیم بیکاران پشت درهای کارگاه و کارخانه‌هایشان، هر روز شرایط کار را برای کارگران بدتر می‌کنند. بستن قراردادهای ۲۹ روزه، ندادن مزد به روزهای جمعه و تعطیلات رسمی، افزایش ساعات کار، عدم پرداخت مزد واقعی، افزایش شدت کار، توهین و تحقیر کارگران و... تنها بخشی از مواردی است که کارفرمایان با استفاده از حربیه بیکاری، کارگران را به آن وادار می‌کنند.

با تعطیلی‌های گسترده واحدهای تولیدی، خصوصی سازی و باز خریدهای اجباری، تنها ۱۰ درصد از کارگران به صورت استخدام رسمی مشغول بکارند، و این تعداد نیز هر روز بیش از پیش در معرض بیکاری قرار می‌گیرند.

هر روز به عناوین مختلف حلقه‌ی بیکاری به دور کارگران تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی به جای فشار بر دولت باعث بسته شدن بیشتر واحدهای تولیدی شده، همچنین طرح قطع یارانه‌ها (نمی‌گوییم هدفمند کردن چرا که دولت قصد حذف یارانه را دارد نه هدفمند کردن آن) هزینه‌های کارگاه‌های کوچک را بالا برده و باعث تعطیلی شان شده. اما صاحبان کارگاه‌ها و کارخانه‌ها این فشارها را بر خودشان تحمل نمی‌کنند بلکه همواره تمام مشکلات را بر دوش کارگران می‌ریزند؛ کارگران را اخراج می‌کنند، بر شدت و ساعات کار اضافه می‌کنند، میزان دستمزد و مزایا را کم می‌کنند و خلاصه هر کاری از دستشان بر بیاید انجام می‌دهند تا بار تمام مشکلات بر دوش کارگران بیفتد و خودشان هم‌چنان به سودآوری از محل کار کارگران پردازند.

"بیدار" نشریه‌ای تحلیلی، خبری و آموزشی است که با تلاش تعدادی از کارگران در جهت انعکاس اخبار، انتقال تجارب کارگری و آموزش انتشار می‌یابد.

شماره دوم - یکم آبان ۱۳۸۹

بیدار

به نظر می‌رسد هر اتفاق سیاسی و اقتصادی و نظامی چه در کشور ما و چه در عرصه‌ی بین‌المللی بیافتد عرصه را بر زندگی کارگران تنگ‌تر می‌نماید.

دولت‌ها نه تنها برنامه‌ای برای کنترل بیکاری ندارند بلکه این دولت‌ها هستند که با ارائه‌ی برنامه‌های گوناگون مانند خصوصی سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی، برنامه‌های توسعه، طرح تعدیل ساختار اقتصادی و ... به معضل بیکاری دامن می‌زنند و هر چه بیشتر زندگی کارگران و خانواده‌هایشان را به خطر می‌اندازند.

در مقابل این سایه‌ی شوم، کارگران چگونه می‌توانند خود و خانواده‌هایشان را از گزند بیکاری و بیکارسازان در امان نگه دارند؟ واقعیت این است که کارگران به هیچ ابزار دفاعی برای مقابله با این تهدید مسلح نیستند، جز اتکا به نیروی جمعی شان. بیمه بیکاری که در طول سالیان گذشته و به خاطر مبارزات متشکل کارگران بدست آمده بود با حمایت قوانین دولتی که هر روز به ضرر کارگران و به نفع سرمایه‌داران تصویب می‌شود، روز به روز کم‌رنگ‌تر شده و در آینده‌ای نزدیک از بین می‌رود. مطابق قانون بیمه بیکاری هر کارگر باید حداقل یک‌سال در یک واحد تولیدی مشغول بکار بوده باشد و کارفرما یک‌سال برای او حق بیمه پرداخته باشد تا کارگر مشمول دریافت بیمه بیکاری قرار بگیرد و این در حالی است که کمتر کارگری می‌تواند یک‌سال در یک واحد تولیدی کار کرده و اخراج نشود.

واقعیت این است که برای فرار از زندگی نکبت‌بار، هیچ راهی برای ما به جز ایستادن و مبارزه علیه قوانین ضد کارگری وجود ندارد. کارگران بیکار باید با دوستی و اتحاد و همدلی با دیگر کارگران بیکار و با ایجاد تشکل‌های کارگری بیکاران به این ستم غیرانسانی پایان دهند، و کارگران شاغل نیز، بدانند که این شتر دیر یا زود در خانه‌ی آن‌ها نیز خواهد خوابید.

بیاید با اعتراض منسجم و دسته جمعی در مقابل ادارات کار

- بیمه‌ی بیکاری باید به تمام کارگران بیکار، تا پیدا کردن شغل مناسب از طرف دولت، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی پرداخت شود.

خواستار بازگشت به کار و بیمه‌ی بیکاری با دستمزدی که کفاف یک زندگی انسانی را بدهد باشیم و همواره علیه بیکاری و مسیبتان آن و قوانین بی‌کارساز مبارزه کنیم. اگر امروز با هم نباشیم فردا بسیار دیر خواهد شد.

ما کارگران بیکار خواستار به رسمیت شناختن تشکلهای کارگران بیکار و همچنین کلیه تشکلهای مستقل کارگری هستیم.

ما کارگران بیکار خواستار بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی و بیکار شده هستیم.

ما کارگران بیکار خواستار پرداخت بیمه‌ی بیکاری به تمام کارگران بیکار، تا پیدا کردن شغل مناسب از طرف دولت، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی هستیم.

دوستان کارگر ما باید علیه پیامدهای ننگینی همچون بیکاری، مبارزات و اعتراضات منسجمی داشته باشیم و در عین حال توجه داشته باشیم که بیکاری از دل نظام سرمایه داری بیرون می‌آید و تا این نظام غیر انسانی پابرجاست، بیکاری و دیگر پیامدهای غیر انسانی آن نیز پابرجاست. ما کارگران باید بدانیم که مشکلات مان واقعا وقتی حل می‌شود که با مبارزه‌ی متشکل و در اتحاد با هم طبقه‌ای هایمان پایه‌های نظامی انسانی را بریزیم که در آن استثمار انسان و معضلات همراه آن از جمله بیکاری برای همیشه از بین برود.

● بیمه‌ی بیکاری صدقه‌ی دولت‌ها است یا دست آورد مبارزات کارگران؟

با بالا رفتن آمار بیکاری بین کارگران، استفاده کارگران از بیمه بیکاری نیز رشد چشم‌گیری داشته است. برای استفاده از بیمه بیکاری، کارگران با مشکلات زیادی روبرو هستند که در این گزارش سعی می‌شود به بخشی از آن‌ها پرداخته شود.

۱- عدم آگاهی کارگران از قانون بیمه‌ی بیکاری و چگونگی دریافت آن:

اکثر کارگران به شکل قراردادهای موقت مشغول به کارند و این کارگران قراردادی با وجود این که مشمول دریافت بیمه‌ی بیکاری می‌شوند، به دلیل عدم اطلاع از این قانون، بعد از اخراج از کار ماه‌ها شرایط بیکاری را تحمل می‌کنند و از بیمه‌ی بیکاری استفاده نمی‌کنند.

۲- عدم همکاری کارفرمایان با کارگران:

کارفرمایان بعد از اخراج کارگران و به ویژه کارگران قراردادی، از دادن برگه‌ی تسویه حساب و آخرین قرارداد یک‌ساله به کارگران خودداری می‌کنند و دلایل این عدم همکاری رادوری از ددرسهای اداری و همچنین آشکار شدن به اصطلاح اسرار کارگاه عنوان می‌کنند.

۳- کارگران در صورت داشتن تمام شرایط دریافت بیمه‌ی بیکاری و با مراجعه به ادارات کار، با مشکلات اداری و برخورد های تنگ نظرانه‌ی کارمندان این اداره مواجه می‌شوند:

وقتی به اداره‌ی کار جهت دریافت بیمه‌ی بیکاری مراجعه می‌کنی، باید شانس داشته باشی که با یک کارمند خوش برخورد مواجه شوی، در غیر این صورت در صورت دادن کوچک‌ترین بهانه‌ای به دست این کارمند باید روزها مسیر منزل و اداره‌ی کار را برای جور کردن مدارک غیر ضروری طی کنی و در صورت اعتراض، متاسفانه باید از دریافت بیمه‌ی بیکاری منصرف شوی.

با ارائه‌ی مدارک و قبول آن توسط کارمند مربوطه، باید بعد از یک ماه دوباره مراجعه کنی تا مشخص شود که مشمول دریافت بیمه‌ی بیکاری هستی یا نه؟

اگر مشمول دریافت آن باشی، تاریخ مراجعه بعدی برای تکمیل مدارک یک ماه دیگر است. بعد از مراجعه‌ی بعدی با دادن نامه‌ای از اداره‌ی مربوطه‌ی شعبه‌ی بیمه‌ی تامین اجتماعی، راهی یکی از شعبه‌های سازمان تامین اجتماعی می‌شوی (چنانچه در شعبه‌های مختلف و شهرستان‌ها سابقه‌ی بیمه داشته باشی باید حداقل از ۲ تا ۴ ماه

کفش‌های آهنی به پا کنی تا سوابق بیمه‌ای خود را از شعبه‌های مربوطه جمع‌آوری کنی). در صورت نداشتن مشکل سوابق بیمه در شعبه‌های دیگر و همکاری کارمندان مربوطه‌ی بیمه با تو، حدود یک ماه طول می‌کشد تا مدارک بیمه‌ای خود را تکمیل کرده و حساب بانکی مربوطه را افتتاح کنی. این در شرایطی است که منزل مسکونی شما در نزدیکی شعبه‌ی تامین اجتماعی قرار گرفته باشد، در غیر این صورت حدود ۱ تا ۲ ماه طول می‌کشد تا اولین دستمزد به حساب‌تان ریخته شود و سپس اجباراً باید پرونده‌ی بیمه‌ای و بیمه‌ی بیکاری خود را از راه اداری به شعبه‌ی محل سکونت‌تان انتقال دهید. بعد از این انتقال که یک ماه به طول می‌انجامد، در شعبه جدید شما یک بیمه شده‌ی جدید محسوب

می‌شوید و باید در این شعبه ثبت نام شوید و بعد از ثبت نام باید یک حساب بانکی جدید در نزدیکی شعبه‌ی مربوطه افتتاح کنید که این موضوع نیز خودش یک ماهی به طول می‌انجامد. حدود یک یا ۲ ماه بعد از افتتاح حساب و مراجعه به اداره‌ی بیمه‌ی بیکاری منطقه‌ی جدید و تشکیل پرونده‌ی مجدد در این اداره، دومین قسط دستمزد به حساب شما واریز می‌شود.

۴- شما باید ماهیانه و در یک روز مشخص تعیین شده از طرف اداره‌ی بیمه‌ی بیکاری، به آن اداره مراجعه و خود را به کارمند مربوطه معرفی کرده و نوبت بعدی را که یک ماه دیگر است، مشخص نمایید.

۵- تحقیر و توهین نسبت به کارگران مشمول بیمه‌ی بیکاری این تحقیر دارای ۲ جنبه‌ی مشخص است:

الف: از طرف کارمندان ادارات کار، سازمان تامین اجتماعی و کارمندان بانک‌ها:

به صورت کلی سیستم های اداری‌ای که با مسئله‌ی بیمه‌ی بیکاری درگیر هستند دارای این دیدگاه هستند که کارگران در واقع به نوعی صدقه و کمک بلاعوض از دولت دریافت می‌کنند. در این دیدگاه کارگران به عنوان انسان‌هایی فرصت طلب به شمار می‌آیند که تلاش می‌کنند به شکل رایگان این مبلغ بادآورده را از دولت بگیرند. انعکاس این دیدگاه در بین کارمندان این ادارات به شکل برخوردهای توهین آمیز، تنگ نظرانه و یا ترحم آمیز است. این نوع برخوردها از شروع اولیه‌ی مراجعه به ادارات کار آغاز و در مراجعات ماهیانه جهت معرفی به واحدهای بیمه‌ی بیکاری شدت می‌گیرد.

ب: پذیرش این تحقیر و توهین از طرف خود کارگران: عدم آگاهی کارگران از پیشینه‌ی مبارزاتی برای بیمه‌ی بیکاری و همچنین پرداخت ماهیانه‌ی حق بیمه در طول سالیان کاری باعث می‌شود کارگران خود نیز آمادگی پذیرش انواع تحقیر و توهین‌ها را داشته باشند زیرا احساس آنان نیز این است که بیمه‌ی بیکاری حق‌شان نیست و یک نوع صدقه و کمک از طرف دولت است. متاسفانه حاکمیت این دیدگاه در بین کارگران موارد زیر را موجب می‌شود:

۱) اعتراض به توهین‌ها را حق خود نمی‌دانند.
۲) پیگیری دریافت بیمه‌ی بیکاری نمی‌شوند.
۳) کارگران نه تنها در جهت بهتر شدن و ارتقای کیفی این قانون مبارزه نمی‌کنند بلکه نظاره‌گر این هستند که روز به

روز با تصویب قوانین جدید، قانون فعلی کم‌رنگ‌تر و در نهایت از بین برود.

کارگران باید بدانند: تمامی قوانینی که تا حدی از حقوق طیف‌های مختلف کارگران (اعم از یدی و فکری) حمایت می‌کنند حاصل سال‌ها مبارزه‌ی متشکل آنان است و دولت‌های سرمایه داری نه تنها این قوانین را ایجاد نکرده‌اند و بهبود نمی‌بخشند بلکه همواره سعی می‌کنند در جهت منافع سرمایه داران، چتر حمایتی قوانین را برای کارگران کمتر کنند و یا آن را از اساس حذف کنند. کافی است به یاد آوریم قانونی را که همین چند سال پیش تصویب شد و طی آن ابتدا کارگاه‌هایی که زیر ۱۰ نفر و سپس زیر ۵ نفر کارگر داشتند، از شمول قانون کار خارج شدند و معنی آن چیزی جز این نبود که صاحبان آن کارگاه‌ها هر جور دلشان بخواهد با کارگران‌شان رفتار کنند.

دوستان کارگر، هیچ کس به جز خود ما کارگران و آن هم به صورت متشکل نمی‌تواند و نمی‌خواهد، از حقوق‌مان دفاع کند و قوانینی که سرمایه‌داران تصویب می‌کنند در جهت الغای حقوق کارگران است، نه بهبود و توسعه‌ی این قوانین.

● بر اساس گزارش رسمی بانک مرکزی اعلام شد: قیمت روغن، تخم مرغ و گوشت مرغ افزایش پیدا کرد.

بانک مرکزی در هفته‌ی منتهی به ۲۳ مهرماه، از افزایش ۳ درصدی قیمت گوشت مرغ، ۱۳/۳ درصدی قیمت روغن نباتی جامد و افزایش ۳/۱ درصدی قیمت تخم مرغ خبر داد. البته باید توجه داشت که این ارقام آمار رسمی است و قیمت‌های واقعی از این آمار بیشتر است و کافی است به مغازه‌ی محله مراجعه کرد و قیمت‌ها را با ۲ ماه پیش مقایسه کرد تا آمار واقعی بدست آید. این افزایش قیمت‌ها در حالی است که طرح حذف یارانه‌ها هنوز کاملاً به اجرا در نیامده و معلوم نیست با اجرای این طرح قیمت‌ها به کجا خواهد رسید!



تمامی کارگران اخراجی و بیکار شده باید بر سر کار بازگردند.

تشکلهای کارگران بیکار و همچنین کلیه تشکلهای مستقل کارگری را به نیروی خود ایجاد کنیم.